

آشنایی با مفهوم دیالوگ و اهمیت کاربرد آن در کارگروه‌های اجتماعی

گزارش ورکشاپ الهه امانی

دوم بهمن ماه ۱۴۰۰

آشنایی با مفهوم دیالوگ و اهمیت کاربرد آن در کارگروه‌های اجتماعی

گزارش ورکشاپ الهه امانی

دوم بهمن ۱۴۰۰

در تاریخ دوم بهمن ماه ۱۴۰۰، کارگاهی آموزشی به مناسبت روز جهانی دیالوگ (۵ ژانویه) توسط **الهه امانی، فعال حقوق زنان**، از طرف ای سی وین (ICWIN) و گروه ایوین (IWIN Community) بر روی پلتفرم زوم برگزار شد. هدف این کارگاه آشنایی با **مفهوم دیالوگ و اهمیت کاربرد آن در کارگروه‌های اجتماعی** بود و تمرکز آن بر روی **مهارت‌های مورد نیاز فعالان اجتماعی** بود تا مسبب **هموارسازی و موفقیت بیشتر** در فعالیتهای درون‌گروهی و برون‌گروهی شود.

الهه امانی که فعال صلح، برابری جنسیتی و حقوق بشر است، در زمینه **حل تنازعات و تنش‌ها** در دانشگاه پپرداین (Pepperdine) در ایالت کالیفرنیا آموزش دیده است. او از اوایل سال ۱۹۹۱ در جامعه حرفه‌ای میانجی‌گری و حل تنش‌ها و تسهیل‌گری فعالیت بسیاری داشته است. همچنین مشارکتی فعال در اولین دوره‌ی خبرنامه‌ی انجمن مدیاتورها (میانجی‌گران) لس‌آنجلس داشته است، این دوره خبرنامه درباره‌ی مدیریت و حل تنازعات جنسیتی و فرهنگی بوده است. او همچنین مقالاتی نیز در این زمینه منتشر کرده است.

در دیالوگ واقعی، هر دو سوی دیالوگ خواهان تغییر هستند. —تیک نات هان، فعال صلح

این نقل قول اساس فلسفه دیالوگ است. در جای دیگری تیک نات هان می‌گوید: «مهم‌ترین چیز در ایجاد ارتباط، صحبت‌هایی است که گفته نشده است». بر روی این جمله کمی فکر و تأمل کنید.

مفهوم دیالوگ چیست؟

دیالوگ مکالمه و ارتباطی است که بین دو یا چند نفر انجام می‌شود، البته این مکالمه لزوماً به معنای صحبت کردن نیست، می‌تواند نوشتاری باشد یا به روش دیگری صورت بگیرد.

معنای باستانی کلمه‌ی دیالوگ یک «جریان معنا»ست، معانی سیال که همچون مایعی روان می‌شوند و جریان پیدا می‌کنند. جریان معنا مفهومی است که دیالوگ را از مکالمه و گفتگو متمایز می‌کند، جریان معنا یعنی ارتباط شکل گرفته باید درونی باشد و با تمامی روح و احساس شکل گرفته باشد. در واقع این مفهوم به ما می‌گوید که ما باید از تمام فرضیات و باورهای خود به صورت موثر یک گام به عقب برداریم و با جان و دل به طرف مقابل گوش دهیم و این کاری است که آسان و ساده نیست.

گاهی دیالوگ با مفاهیم دیگری همچون مناظره و بحث اشتباه گرفته می‌شود. این در حالیست که این سه مفهوم معانی کاملاً متفاوت از یکدیگر دارند. «بحث» با قصد باز کردن موضوعی رخ می‌دهد. یعنی نکات مثبت و منفی موضوعی عنوان می‌شود و راجع به آن تصمیمی گرفته می‌شود. بنابراین هدف و روش بحث با دیالوگ متفاوت است. در «مناظره» همواره کسی برنده می‌شود و کسی بازنده، و حالتی رقابتی دارد. اما در «دیالوگ» اساساً هدف برنده‌شدن و بازنده‌شدن نیست. در دیالوگ همدلی وجود دارد و هدف آن همگرایی و نزدیک کردن افکار به یکدیگر است.

چرا این مفاهیم برای گروه‌های اجتماعی مهم است؟

فعالیت در هر گروهی نیازمند تلاشی جمعی برای رسیدن به اهداف گروه است. اما در راه رسیدن به اهداف همواره موانعی نیز وجود دارند. یکی از این موانع که در طول این کارگاه بارها به آن اشاره شده «بحران اعتماد» است، یعنی نبود اعتماد بین اعضای درونی گروه و همچنین نبود اعتماد بین گروه‌های مختلف. نبود اعتماد همبستگی و اتحاد را کم کرده و باعث می‌شود که چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی دستیابی به اهداف سخت شود. و لازمی به وجود آمدن اعتماد دیالوگ است. زیرا که **اعتماد با شناخت یکدیگر و گوش دادن به یکدیگر شکل می‌گیرد.**

دیالوگ و همدلی

به عقیده‌ی من نوع خاصی از دیالوگ، یعنی **دیالوگ همراه با «همدلی»**، نیاز کارگروه‌های اجتماعی است. در ابتدا مهم است که بدانیم **همدلی چیست و چه فرقی با همدردی دارد؟** این دو واژه معمولاً به جای یکدیگر استفاده می‌شوند درحالی‌که معانی آنها با یکدیگر متفاوت است. زمانی که برای شخصی مشکلی پیش آمده است، مثلاً عزیزی را از دست داده است، با او همدردی می‌کنیم، می‌گوییم احساس بدی دارم که چنین اتفاقی افتاده و متأسفم که چنین اتفاقی افتاده است. اما در همدلی با اینکه همانند همدردی احساس بدی داریم از اتفاقات، اما می‌خواهیم بدانیم که چطور می‌توانیم آن را درک کنیم و چه عملی می‌توانیم انجام دهیم تا بار شخص مقابل سبک‌تر شود. بنابراین **تفاوت اصلی این دو واژه در عمل است، همدلی همراه با عمل و درک است.**

دیالوگی که با همدلی همراه است با فروتنی و همدلی به ناگفته‌ها توجه می‌کند. به جای نتیجه‌گیری و قضاوت از روی پیش زمینه‌ها، گوش فرا می‌دهد. از موضع همدلی سوال می‌پرسد تا بهتر درک کند و به دیگران حمله نمی‌کند. وجود چنین دیالوگی لازمی ارتباطات گروهی و فردی افراد است تا بتوانند حتی با وجود اختلاف نظر، زمینه‌های مشترک را پیدا کنند و در راه هدف مشترک همبستگی داشته باشند.

پراکندگی که بین ما ایرانی‌ها و در گروه‌های مختلف وجود دارد از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

در بخش دوم کارگاه، این سوالی بود که از تمامی شرکت‌کنندگان پرسیده شد و از آنها خواسته شد که به گروه‌های کوچک تقسیم شوند و بر روی آن تعمل کنند. از جمله دلایلی که در صحبت‌های افراد مطرح شد:

- نقدهای بی‌رحمانه، کوبنده و شخصی
- برچسب‌زدن به دیگران
اتهامات بی‌دلیل، برچسب جاسوسی، برچسب بیماری‌های روانی و...
- کنترل کردن دیگران و قدرت‌طلبی
- نداشتن اعتماد به یکدیگر بخاطر تحولات سیاسی ایران
انقلاب، جنگ، اعدام‌ها و زندانی‌های سیاسی و...
- نداشتن اعتماد به یکدیگر به علت تجربه‌ی زندگی‌کردن تحت نظر مداوم حاکمیت جاسوسی از یکدیگر در داخل و خارج ایران، تلاش برای بقا و...
- نبود آموزش چه در داخل جامعه و چه در خانواده‌ها
کودکان کار گروهی را یاد نمی‌گیرند، حق اظهار نظر ندارند و ... بنابراین در بزرگسالی نیز نمی‌توانند قدرت را شریک شوند و یا در گروهی فعالیت کنند.
- عدم توجه به امتیازات فردی خود و نادیده گرفتن رنج افراد در دهک‌های پایین تر
- ادعای صاحب‌نظر بودن و نداشتن دانش کافی
- و همچنین مواردی همچون حسادت، تنگ نظری، آشنا نبودن با مفاهیم دموکراسی و داشتن دیکتاتوری در درون خود نیز توسط بعضی از افراد حاضر در جلسه عنوان شد.

از اعضای جلسه خواسته شد که **راهکارهایی نیز در این زمینه** پیشنهاد بدهند، از جمله این راهکارها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **فرهنگ‌سازی و آموزش**
- نقد کردن خوب است اما نقد باید **صمیمانه** باشد، نقد باید نظر را مورد نقد قرار دهد و نه شخص را. با احترام و دوستانه و همدلانه باشد و حمله شخصی صورت نگیرد.
- کنترل مناسبات قدرت نابرابر را به وجود می‌آورد. و باعث ایجاد سلسله مراتب قدرت می‌شود که تنش را در گروه بالا می‌برد. **فراموش نکنیم که مسئولیت داشتن با کنترل کردن فرق می‌کند.**
- همه ما بر اساس جنسیت، محل زندگی، دین، قومیت و... امتیازاتی نسبت به دیگران داریم. مهم است که این امتیازات را بدانیم و با همدلی سعی در درک تجربه‌ی زیسته افرادی داشته باشیم که این امتیازات را ندارند.
- سوال کردن با هدف بهتر فهمیدن و درک کردن یکدیگر.
- در گروه‌ها روندهایی گذاشته شود تا افراد جاسوس شناسایی شوند و اعتماد گروهی بالا برود.
- مخاطب تشویق به اظهار نظر شود.
- فراموش نشود که هدف توافق نیست، بلکه پیدا کردن زمینه‌های مشترک در راه هدف مشترک است.
- قدرت را باید شریک شد. قدرت در دستان یک نفر نباشد.

دیالوگ برای حل تنش‌ها کمک کننده است و باعث می‌شود خارج از فرضیات و باورهای خود حرف طرف مقابل را شنیده و با شنیدن هوشمندانه صحبت‌های شخص مقابل در صورت نیاز باورها و فرضیات خود را تعدیل کنیم. تا زمانی که این کار را انجام ندهیم همیشه در کپسول خود می‌مانیم و نمی‌توانیم ببینیم که در دنیای بیرون چه ایده‌ها و صحبت‌های خوبی هست که می‌تواند به ما در پیشبرد هدف‌ها کمک کند.

آشنایی با مفهوم دیالوگ و اهمیت کاربرد آن در کارگروه‌های اجتماعی

گزارش ورکشاپ الهه امانی

دوم بهمن ۱۴۰۰



همه‌مون
hamamoun